

قرآن کریم

و تعلیم و تربیت

پرویش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی





جوانان و اوقات فراغت

حجة الاسلام والمسلمین استاد جواد محدثی

❁ مقدمه:

جوانی است و فرصت هایی به غایت ارزشمند و آسیب هایی بس خطر خیز و خسارت بار؛ فرصت ها و آسیب هایی که عامل یا مانع ساختن سرمایه های اصلی جامعه اسلامی هستند؛ سرمایه هایی به نام جوانان.

در این سطور نگاهی به فرصت های دوره جوانی و آسیب های تهدید کننده آن از منظر قرآن و اهل بیت علیهم السلام داریم.

❁ کلید واژه:

فرصت و سرمایه؛ ویژگی های فرصت جوانی؛ تفکر بر آنچه داریم؛ آفت و آسیب.

❁ فرصت ها و سرمایه ها:

(جوانی)، (عمر) و (فرصت) یکی از سرمایه ها و بالاترین سرمایه است با این تفاوت که پیوسته روبه کاهش می رود و انسان از گذشت آن غافل است و به دلیل همین غفلت؛ سرمایه فرصت جوانی و عمر را جدی نمی گیرد و از تباه شدنش غصه نمی خورد و در بهره وری از آن، چندان جدی نیست.

بهره وری از (سرمایه) ویژه انسان های خردمند و جوامع آینده نگر است و بهره وری از جوانی و عمر مهم است. اندیشمندان درست

گفته اند که (شناخت درد، نیمی از درمان است) و صحیح است که آشنایی با آفت‌های هر چیز و خطرهای هر راه کار، زمینه‌ساز بهره‌وری بیشتر و مصون‌ساز از خسارت‌های جبران‌ناپذیر است. پس هم (شناخت فرصت‌ها) برای جوانان ضروری است و هم (شناخت آفت‌ها) که به نوعی دشمن آن سرمایه ارزشمند به شمار می‌آید. هم عزم فردی هر یک از ما به دست خداست و از آینده خبر نداریم، هم فرصت‌های اجتماعی مواجهه با برخی خطرها و موانع است که گاهی غیر قابل پیش‌بینی است. این هم تأکیدی مجدد بر این دارد که: تا فرصت و عمر و جوانی موجود است، باید از آن سود جست و این سرمایه را در مسیر سعادت و هدف متعالی به کار گرفت و به بهره‌وری بهینه رساند.

⑤ ویژگی‌های فرصت جوانی

نعمت جوانی با شتاب در گذر می‌باشد و برگشت در کار او نمی‌باشد و غیر قابل جبران است و باید از حرکت رو به پایان عمر بهره جست و در پایان خط مسابقه نمره کمال گرفت.

۱- شتاب در گذر:

در کلام حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام گذشت زمان به عبور پر شتاب ابرها در آسمان تشبیه شده است و در کلام دیگر فرموده اند: (چه شتابان می‌گذرد ساعات در روزها و روزها در ماه‌ها و ماه‌ها در سال‌ها و سال‌ها در عمرها). از این رو با توجه به این سرعت عبور ابرهای فرصت در آسمان زندگی، باید متناسب با آن برنامه ریزی کرد تا از هدر رفتن آن جلوگیری شود.

«الفرصة تمرّ مرّ السحاب فاتهزوا فرص الخیر» (۱)

۲- غیر قابل جبران بودن:

بسیارند آنان که در پایان عمر، آرزوی بازگشت آن را دارند و در پایان فرصت، حسرت فرصت‌های سوخته و تباه شده را می‌خورند اما هیئات که این آب رفته، به جوی زندگی برگردد و بهار جوانی تکرار شود. قرآن کریم از کسانی یاد می‌کند که در قیامت با تمنای «ربّ ارجعون» درخواست عمر دوباره و بازگشت به دنیا دارند تا بهتر عمل کنند و این درخواستی نشدنی و تمنایی غیر قابل انجام است.



۱. نهج البلاغه / حکمت ۲۰.

قرآن کریم خواسته این افراد را این چنین مطرح نموده است:

«حتی اذا جاء احدهم الموت قال رب ارجعون». (۲)

«ربنا ابصرنا وسمعنا فرجعنا نعمل صالحا انا موقنون» (۳)

می گویند خدایا ما دیدیم و شنیدیم، پس ما را به دنیا برگردان تا صالح و نیکوکار شویم.

۳- حرکت روبه پایان:

خط سیر عمر انسان روبه زوال فرصت ها و ضعف نیروها و کاهش عمرها و فرسودگی اعضا و باز پس گرفتن امانت های الهی است و هر چه می گذرد به پایان (خط مسابقه) نزدیکتر می شویم. نه بازگشت به جوانی ممکن است نه می توان جلوی فرسایش این سرمایه و کاهش مجال و میدان عمل در زندگی را گرفت. هنرمند کسی است که در فرصت موجود و در زمان باقی مانده بتواند کار مثبت و گام بلند داشته باشد- امام علی علیه السلام می فرمایند: «الفرصة سریعه القوت و بطیئه العود» (۴)

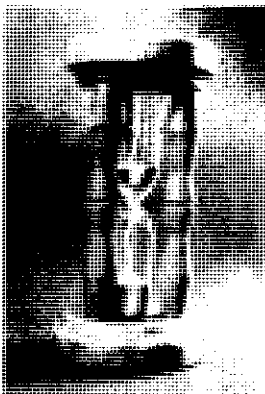
(فرصت ها با سرعت از دست می رود و برگشتی برای آنها نیست)

نتیجه آنکه: هم با عمر باید به صورت یک (سرمایه) برخورد کرد، هم برای بهره وری از آن باید برنامه ریزی کرد تا هدر نرود، هم به جای حسرت بر گذشته باید مواظب بود که (فرصت امروز) تبدیل به (حسرت فردا) نشود، هم این سرمایه در حال گذرشتابان را در مسیری که مورد پسند خدا و رضایت وجدان و به نفع مردم و جامعه است به کار زد، و گرنه اگر خط زندگی بر مدار (نفسانیت) و بستر شهوات باشد، هر چه بیشتر می گذرد بار گناه سنگین تر می شود و پاسخگویی برای روز حساب، دشوارتر.

امام سجاد علیه السلام با توجه به این ویژگی است که از خداوند این چنین درخواست می کند:

خدایا! تا وقتی که عمر در مسیر طاعت تو سپری و خسر ج می شود، عمرم را طولانی گردان و هر لحظه که عمرم چراگاه شیطان گردد، هر چه زودتر جانم را بگیر و مرا به سوی خودت ببر

«و عمرتی ما کان عمری بذلة فی طاعتک، فاذا کان عمری مرتعاً للشیطان فاقبضنی الیک» (۵)



۲. سوره مؤمنون/ ۹۹.

۳. سوره سجده/ ۱۲.

۴. غرر الحکم / ج ۲ / ص ۱۱۳.

۵. صحیفه سجادیه / دعای مکارم

الاخلاقی / دعای ۲۰.

عقل، بر داشته ها:

میزان خرد و شعور هر کس را از حساسیت و نگرانی او نسبت به داشته ها و سرمایه هایش می توان شناخت. اگر سرمایه عمر و فرصت نزد کسی بی بها و ارزان باشد، گواه کم عقلی اوست. از توصیه های حضرت رسول اکرم ﷺ به ابوذر غفاری چنین است.

«یا اباذر کن علی عمرک اشحّ منک علی درهمک و دینارک»

ای ابوذر... نسبت به عمر خود حریص تر باش تا نسبت به

درهم و دینار. (۶)

یعنی اگر کسی خسارت مادی و ضرر مالی را در دآوردی می بیند و بر آن غصه می خورد، اما برای هدر رفتن عمر جوانی و تباه شدن فرصت های ناب زندگی بی خیال است، نشانه ضعف شناخت او از داشته ها و سرمایه هاست.

ما باروزگار و زمان در یک تعامل و داد و ستد دو جانبه به سر می بریم، هم عمر را از دست می دهیم، هم بهره ها و تجربه هایی را بدست می آوریم. اما کدامیک بیشتر است؟ آیا آنچه می دهیم و آنچه می گیریم، با هم تناسب قابل قبولی دارند. به عبارت دیگر: آیا در حال سود بردن هستیم یا زیاد کردن؟ بردن یا باختن؟ این کلام حضرت علی علیه السلام بسیار تکان دهنده است که می فرمایند:

«انّ اللیل والنهار یعملان فیک فاعمل فیهما و یاخذان منک فخذ منهما»

شب و روز در تو عمل می کنند و تأثیر می گذارند تو هم در آن دو تأثیر بگذار و از تو بهره می برد، پس تو هم از آن دو بهره برداری کن. (۷)
در مقابل آنچه به نام (جوانی) می دهیم، چه می گیریم؟ یک محاسبه ساده می تواند وضعیت ما را از نظر سود بردن یا خسارت دیدن روشن کند. در حدیث پیامبر خدا ﷺ می خوانیم:

«انّ ملکاً نزل کلّ لیله فینادی: یا ابناء العشرین، جدّوا واجتهدوا»

فرشته ای هر شب نازل می شود و صدا می زند ای بیست ساله ها!

بکوشید و تلاش کنید. (۸)

پس فرصت می گذرد و آینده شما در گرو تلاش امروز شماست و اگر نجنبید و جدیت نکنید، فردای ندامت باری در پیش دارید.



۶. میزان الحکمه / حدیث ۱۳۸۹۰.

۷. میزان الحکمه / حدیث ۱۳۸۹۹.

۸. غرر الحکم / حدیث ۹۱۵۵.

فرصت‌ها را باید به دست آورد و با تقسیم صحیح و تنظیم درست اوقات، به وقت‌ها توسعه داد. کسی که برای اوقات خود، برنامه ریزی داشته باشد، به موفقیت‌های بسیاری می‌رسد، اما کسی که عبور لحظه‌ها و سپری شدن ساعت‌ها و روزها و هفته‌ها را نادیده بگیرد فرجامش پشیمانی است.

گوهروقت به بیهودگی از دست مده

آفراین عمرگرانمایه بهایی دارد

❖ موانع اغتنام فرصت‌ها:

موانعی که انسان را از اغتنام فرصت‌ها و بهره‌گیری مطلوب از عمر باز می‌دارد و فرصت‌های انسان را تباه کرده و می‌سوزاند را باید شناخت و به رفع موانع با یک برنامه هدفمند و منظم اقدام نمود. از جمله این موانع می‌توان: کسالت و تنبلی؛ گم‌گشتگی در راه؛ سرگرمی به لهو و لعب و سرمستی غرور و غفلت را ذکر نمود.

۱- کسالت و تنبلی:

از دست دادن انگیزه و نشاط برای فعالیت، در همه زمینه‌ها زیانبار و خسارت‌آور است، چه در عرصه دانش، چه در میدان کار و تلاش اقتصادی و اجتماعی، چه در زمینه عبادت و کارهای خیر. در کلام معصوم؛ با واژه‌هایی چون (کسالت)، (فترت)، (فشل)؛ از این آسیب و مانع یاد شده است. از جمله در دعای ابو حمزه ثمالی از: (کسل و فشل) به خدا پناه می‌بریم و در دعای مکارم الاخلاق؛ از خداوند می‌خواهیم که ما را به کسل بودن و بی‌حالی در عبادت دچار نسازد. امام علی علیه السلام در خطبه‌ای انسان را مخاطب قرار داده و نسبت به سستی و غفلت چنین هشدار می‌دهد:

درد و بیماری فترت و سستی را که در جان توست، با عزم و اراده ات درمان کن و خواب و غفلت را از دیدگانت با بیداری بزدای:

«فداو من داء الفتره فی قلبک بعزیمه و من کرمی الغفله فی ناظرک ببقضه» (۹)

پند مشتت از آب بیداری به صورت زن

فواب را در پیشم فود بشکن

۲- گم‌گشتگی راه:

زندگی فلسفه‌ای دارد، و انسان، تلاشگری است برای رسیدن به

اهداف خلقت خود. بنابراین در جازدن، یا بیراهه رفتن، یا راه را بی‌راهنمایی کردن، یا به بن بست رسیدن، یا آخرت را که آخرین منزلگاه است از یاد بردن، نشانه گم شدن هدف و گم کردن راه است و این خطرناک‌ترین آفت زندگی و مانع بهره‌مندی از فرصت‌هاست.

امام علی علیه السلام در این سوره می‌فرماید: «از مبعوض‌ترین و نکوهیده‌ترین افراد نزد خدای متعال، بنده‌ای است که خداوند او را به حال خود رها ساخته - در نتیجه از راه درست به بیراهه افتاده، راه را بی‌راهنمایی پیماید - اگر به کشت و کار دنیا فراخوانده شود تلاش می‌کند، اما اگر به زراعت آخرت و آبادانی سرای واپسین دعوت شود سست و بی‌حال می‌شود.» (۱۰)

و این یعنی گم کردن هدف و راه اصلی و به بیراهه رفتن در زندگی.

۳- سرگرم شدن به لهو و لعب دنیا:

قرآن کریم می‌فرماید:

«أما الحیاء الدنیا لعب و لهو و ان تؤمنوا و تقوا یؤتکم اجرکم» (۱۱)

زندگانی دنیا جز بسازیچه و هوسرانی نیست ولی اگر به خدا ایمان آورید و پرهیزکار شوید خداوند خود پاداش اعمال شما را خواهد داد. درست که دنیا (بازیچه) است ولی زندگی (بازی نیست). کامروا کسانی‌اند که زندگی را جدی بگیرند و همه ظرفیت و جودی و توانمندی‌های خود را در مسیر رشد و بسالندگی به کار گیرند و از بیهوده‌هرز رفتن استعدادهای و موقعیت‌ها جلوگیری کنند. هدف برتر در زندگی نباید مورد غفلت قرار گیرد. اینکه (برای چه زندگی می‌کنیم)؟ سوال مهم و کلیدی است. بعضی‌ها زندگی حیوانی دارند و زندگی را (آخور مدرن) می‌دانند که باید هر چه بیشتر و بهتر بخورند و لذت‌برند و بخوابند و به شکم و شهوت خویش برسند.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در نکوهش چنین دیدی نسبت به زندگی می‌فرماید: «من برای این آفریده نشدم که خوردن خوراکی‌های لذیذ، مرا مشغول سازد، همچون حیوانی که به آخور بسته شده و همه همش خوردن است، یا حیوانی که در چراگاه رهاش کرده‌اند که کارش چریدن و انباشتن شکم است و نمی‌داند که از او چه می‌خواهند. مرا برای این نیافریده‌اند که مهمل و بی‌فکر رها شوم و به عبث و بیهودگی زندگی را بگذارم» (۱۲)



۱۰. ان من ابغض الرجال / نهج البلاغه / خطبه (۱۰۳).

۱۱. سوره محمد (ص) / ۳۶.

۱۲. نهج البلاغه / نامه ۴۵ / خطاب به عثمان بن حنیف.

نه چنین زاید و بیهوده وبی جوش و فروش
عمر بر باد و به مسرت فاموش

۴- سرمستی غرور و غفلت:

آفت و خطر دیگر، سرمستی از باده غرور و غفلت از جدیت در زندگی و نداشتن بیداری و هوشیاری است. برخی، مست پول و ثروت اند، بعضی، مست قدرت و ریاست و برخی، سرمست لذت‌های جوانی. آنکه مست باشد نه راه را تشخیص می‌دهد، نه حرف عاقلانه و منطقی می‌شنود و نه کارهایش بر اساس خردمندی و حساب و آینده نگری و واقع بینی است. پایان آن هم ندامت است یا رسوایی و بدنامی.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در یکی از پندهای جاویدانش می‌فرماید:

«فأفوق أيها السامع من سكرتك واستيقظ من غفلتك»

ای شنونده! از سرمستی خود به هوش بیاواز خواب غفلت بیدار شو! (۱۳)
امام علی (علیه السلام) در ادامه این خطبه از انسان دعوت می‌کند که آینده حتمی خود را در نظر آورد، تفاخر و تکبر را کنار بگذارد، یاد قبر و قیامت باشد و بداند که هر چه بکارد همان را درو می‌کند و هر چه امروز برای فردایش بفرستد، همان را خواهد یافت و در نهایت اینکه:

هشدار! هشدار! ای شنونده، کوشش! کوشش! ای غافل!

هر که عاقل تر و هشیارتر است

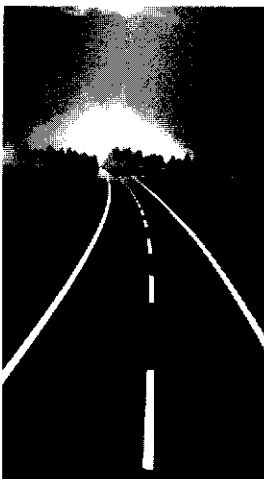
قههر عمر نکه دار تر است.

این آفت‌های چهار گانه، کافی است یک فرد یا جامعه را تباه سازد و دست یافتن به هدف‌های برین را برایش مشکل یا غیر عملی سازد. پیامد آن هم عقب ماندگی و رکود است. شناخت سرمایه‌های عمر، همچنین آگاهی از آفت‌ها و آسیب‌ها، ضروری است. اما کافی نیست و دو گام لازم است:

در یک مرحله، به بهره‌وری رساندن آن سرمایه با برنامه ریزی و مدیریت زمان و سامان دهی به ظرفیت‌ها و عمل‌هاست تا در سازندگی جامعه ایفای نقش کند و عنصری مثبت و کارآمد به شمار آید.

و در مرحله‌ی دیگر، آفت زدایی در عمل و آسیب شناسی در برنامه‌ها است. تا باد نکارد و طوفان درو نکند و در عصر سرعت، با حرکت لاک‌پستی به فرصت سوزی مشغول نباشد. زمان، زمان شتاب است و

عصر، عصر تکاپو. مباد آنکه بخوابیم! مباد آنکه بمانیم!



۱۳. نهج البلاغه / خطبه ۱۵۳.